

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

# سیمای ادبی میخائیل نعیمه

استاد راهنما:

خانم دکتر نجمه رجایی

استاد مشاور:

آقای دکتر علی منتظمی

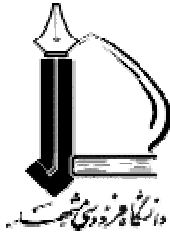
نگارنده:

جابر سوسونی ریک

**تقدیم به :**

مادر فداکار و مهربانم که راستی قامت در  
شکستگی قامتش تجلی یافت.

و همه کسانی که در پی آزادی، عشق و  
معرفت حقیقی اند.



*Faculty of Literature and Humanities*  
*M.A. Thesis*  
*Field of Arabic Literature*

# *Literary Feature of Mikheal Nuaima*

**Supervisor:**

**Dr. Najme Rajayi**

**Advisor:**

**Dr. Ali Montazemi**

**by:**

**Jaber susuni rik**

**Fall 1388**

## با سپاس

با تمام وجود و در همه حال خداوند بزرگ را سپاس می‌گویم که باران لطف و رحمت خویش را همواره قرین لحظات زندگی‌ام می‌سازد، آن مهربان فریادرسی که زبان دل را بهتر از هر کسی می‌داند و نامه نانوشته را می‌خواند و آن پروردگاری که هر آنچه بیند دیده او آفریده. پس «دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد».

و نیز بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در تهیه و تدوین این رساله اینجانب را یاری رساندند تشکر و قدردانی کنم بویژه استاد ارجمند و فرزانه سرکار خانم دکتر نجمه رجایی که با راهنمایی‌های صمیمانه و نظرات و پیشنهادات ارزنده‌شان کمک فراوانی در به ثمر نشستن این مجموعه کردند، و استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر علی منتظمی که با دقت نظر خود بر کیفیت کار افزودند و همه اساتید گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی که به نحوی در این مهم سهیم بوده‌اند و خانواده بزرگوارم که در همه حال پشتیبان و مشوق بنده بودند.

از درگاه خداوند متعال برای همه این عزیزان زندگی با عزت و نیکی‌های زمین و زمان را آرزو می‌کنم.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

مقدمه

### فصل اول: جلوه‌ای از مراحل زندگی میخائیل نعیمه

۱۳	درآمد
۱۴	۱-۱- نعیمه پیش از ترک وطن (۱۸۸۹-۱۹۰۲)
۱۷	۲-۱- فلسطین (ناصره ۱۹۰۲-۱۹۰۶)
۲۰	۳-۱- روسیه (پولتاوا ۱۹۰۶-۱۹۱۱)
۲۲	۴-۱- رسالت‌های مهم نعیمه
۲۳	۵-۱- آمریکا (۱۹۱۱-۱۹۳۲)
۲۶	۶-۱- بازگشت نعیمه به وطن (۱۹۳۲-۱۹۸۸)
۳۰	۷-۱- زندگی نعیمه در یک نگاه
۳۸	۸-۱- فهرست موضوعی تألیفات نعیمه
۳۸	۹-۱- نعیمه و مراحل شکل‌گیری اخلاق صوفیانه
۳۹	۱-۹-۱- مرحله اول
۳۹	۱-۹-۱-۱- عزلت و گوشه‌نشینی
۴۰	۲-۹-۱-۲- تأمل در طبیعت
۴۱	۳-۹-۱-۳- احساس غربت
۴۱	۴-۹-۱-۴- عشق به معرفت
۴۴	۵-۹-۱-۵- ندای رسالت
۴۵	۶-۹-۱-۶- عشق به آزادی
۴۵	۷-۹-۱-۷- تلاش روحانی
۴۷	۲-۹-۲- مرحله دوم
۴۷	۱-۹-۲-۱- آشفته‌گی و نوآوری
۴۸	۲-۹-۲-۲- آرامش روحی
۴۹	۳-۹-۲-۳- عشق روحانی
۵۰	۴-۹-۲-۴- وحدت وجود

۵۰	..... اشتیاق ۵-۲-۹-۱
۵۱	..... مرحله سوم ۳-۹-۱
۵۱	..... عزلت و تنهایی ۱-۳-۹-۱
۵۱	..... مشارکت انسانی ۲-۳-۹-۱

### فصل دوم: ادب مهجر

۵۴	..... ۱-۲ مهاجرت و پیدایش ادب مهجر در آمریکا
۵۵	..... ۲-۱-۱-۲ الرابطة القلمیة (انجمن قلم)
۵۶	..... ۲-۱-۲ «العصبة الأندلسیة» (جماعت اندلسی)
۵۷	..... ۲-۲ ویژگیهای ادب مهجر

### فصل سوم: نعیمه و نقدی پیرامون ادب

۶۰	..... ۱-۳ نعیمه در عرصه نقد ادبی
۶۳	..... ۲-۳ معیارهای ادبی نعیمه
۶۵	..... ۳-۳ ادبیات از دیدگاه نعیمه
۶۸	..... ۴-۳ ادیب از دیدگاه نعیمه
۷۰	..... ۵-۳ مفهوم شعر نزد نعیمه
۷۴	..... ۶-۳ وزن و قافیه از نگاه نعیمه
۷۵	..... ۷-۳ زبان عربی و نعیمه

### فصل چهارم: سیمای شعری نعیمه

۸۱	..... ۱-۴ مهمترین ویژگیهای هنری شعر نعیمه
۸۱	..... ۱-۱-۴ صفت «سهل ممتنع»
۸۳	..... ۲-۱-۴ خیال قیاسی
۸۶	..... ۳-۱-۴ شرح و تفصیل
۸۹	..... ۴-۱-۴ همس
۸۹	..... ۵-۱-۴ وحدت عضوی
۹۵	..... ۲-۴ موسیقی شعر نعیمه
۱۰۳	..... ۳-۴ صورت‌های شعری
۱۰۵	..... ۱-۳-۴ صورتهای شعری در شعر نعیمه
۱۰۷	..... ۱-۱-۳-۴ رمزهای طبیعی
۱۱۲	..... ۲-۱-۳-۴ پیوستگی و تکامل (وحدت عضوی)

۱۱۴ ..... ۳-۱-۳-۴ همس

### فصل پنجم: سیمای نثری نعیمه

۱۱۸ ..... ۱-۵ نثر جدید عربی

۱۱۹ ..... ۱-۱-۵ مراحل تحول نثر جدید عربی

۱۲۰ ..... ۲-۵ ویژگی‌های نثر «الرابطۃ القلمیة» (انجمن قلم)

۱۲۲ ..... ۳-۵ سبک بیان نعیمه در نثر

۱۲۷ ..... ۴-۵ بررسی آثار نثری نعیمه

۱۲۷ ..... ۱-۴-۵ داستان

۱۳۱ ..... ۱-۱-۴-۵ «مذاکرات الأرقش»

۱۳۳ ..... ۲-۱-۴-۵ «لقاء»

۱۳۷ ..... ۲-۴-۵ داستان کوتاه

۱۳۸ ..... ۳-۴-۵ مقاله

۱۳۹ ..... ۱-۳-۴-۵ «زادالمعاد»

۱۴۲ ..... ۲-۳-۴-۵ «الاوثنان»

۱۴۲ ..... ۳-۳-۴-۵ «أبعد من موسكو و من واشنطن»

۱۴۳ ..... ۴-۳-۴-۵ «الغریال»

۱۴۴ ..... ۴-۴-۵ نمایشنامه

۱۴۵ ..... ۱-۴-۴-۵ «الآباء و البنون»

۱۴۷ ..... ۵-۴-۵ زندگی‌نامه (سیره)

۱۴۸ ..... ۱-۵-۴-۵ «سیره جبران»

۱۵۱ ..... ۲-۵-۴-۵ «السبعون»

۱۵۱ ..... ۶-۴-۵ امثال و حکم

۱۵۲ ..... ۱-۶-۴-۵ «کرم علی درب»

۱۵۴ ..... خاتمه

۱۵۷ ..... کتابنامه



## چکیده:

میخائیل نعیمه از مشهورترین ادبای عرب در مهاجر شمالی، نیویورک، و عضو «الرابطة القلمیة» و از منتقدان و اندیشمندان برجسته ادبیات معاصر عربی به شمار می‌رود. وی از کودکی برای تحصیل علم و دانش مهاجرت کرد و در این میان با زبان و ادبیات روسی و سپس انگلیسی و فرانسوی آشنا شد. وی از ادبیات روسی تأثیر زیادی پذیرفت، تأثیرپذیری نعیمه از ادبیات روسیه و سپس مهاجرت او به آمریکا طبع او را نوگرا و متجددگرداند از این رو به هر گونه تقلید از قدیم و سنت‌گرایی در ادب حمله کرد و با نوشتن کتاب معروف خود «الغربال» همه را به نوگرایی در ادب فرا خواند. وی در شعر و نثر هم آثار گرانقدری خلق کرد، تنها دیوان شعر وی و نیز آثار متنوع نثری او متضمن افکار و اندیشه‌ها و روح صوفیانه اوست تقریباً بر همه آثار و تألیفات او اندیشه‌های صوفیانه و عقیده وحدت وجود سایه افکنده است و موسیقی و صورت‌های شعری وی زیبا و در نوع خود جدید است. نعیمه در داستان‌ها، نمایشنامه‌ها، و مقالات خود به شیوه ادبای روسی به نقد اجتماعی نیز می‌پردازد. وی در نوشتن داستان کوتاه و زندگی‌نامه‌نویسی فنی بسیار موفق بوده است.

واژه‌های کلیدی: نقد، شعر، نثر، اندیشه‌های صوفیانه، وحدت وجود، میخائیل نعیمه

## مقدمه:

در تاریخ حیات بشر معمولاً هرگونه تجدید و نوآوری در اندیشه، علم، مکتب و ادب و... در ابتدا با مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی همراه بوده است و همواره سنت‌ها، مقدس بوده‌اند و طرفداران زیادی داشتند و چون بتی پرستش می‌شدند چرا که پیروی از سنتها، آسودگی خاطر و راحتی جان به همراه داشته و برای نوع بشر مشکل‌آفرین نبوده است. اما با این حال در این میان کم نیستند کسانی که شرایط و نیازها را درک کرده و ضرورت تغییر و تحول را احساس نموده‌اند و با شجاعت ندای تجدید و تغییر سر داده‌اند و گذر زمان به تدریج نتایج خدمات آنان را نشان داده و آیندگان آنان را به نیکی ستوده‌اند، این سنت دیرینه بشر در ادبیات عربی هم مصداق دارد و بهترین نمونه برای آن ظهور ادبیات مهجر است، آنگاه که ادبیات عربی چون پیکری سرد و بی‌روح شده بود و ادبا به استعمال آرایه‌های لفظی و بدیعی در ادب خویش مباحثات کرده و به تقلید از قدما اصرار داشتند و ادب سنتی، مناسبی و خطابه‌ای را فرراه خود قرار دادند، گروهی از فرزندان عرب که جو اختناق و فقر و بدبختی موجود در کشورشان آنان را به سوی سرزمین غرب روانه کرده بود دیری نگذشت که با ادبیات غربی آشنا شدند و روح زندگی را در آن یافتند و بر آن شدند که در پیکره بی‌جان ادبیات عربی نیز روح زندگی بدمند و به آن حیاتی دوباره ببخشند. اما در این راه تلخی‌ها چشیده و رنجها و تهمت‌ها تحمل کردند و سرانجام با تشکیل انجمن‌ها و با همکاری یکدیگر آثاری جدید پدید آوردند و همه را به تجدید و نوآوری و رهایی از قید و بند قدیم فرا خواندند. آنان زندگی را محور ادبیات خویش قرار داده و اوج ادبیات را در خود زندگی یافتند و به ادبیاتی دعوت کردند که نیازهای جامعه خویش را برآورده سازد، به ادبیاتی که

پیام‌آوری میان روح ادیب و روح همه مردم است، ادبیاتی واقعی که به طبقه‌ای خاص در مکانی خاص تعلق ندارد بلکه در خدمت تمام زندگی و پیام‌آور نسیم زندگی، فضایل انسانی، زیبایی، عدالت و خیر و نیکی است. یکی از پیشگامان ادب مهجر که از ارکان مهم «الرابطة القلمیة» نیز به شمار می‌رود میخائیل نعیمه است او در روستای بسکنتا دیده به جهان گشود و از دوران کودکی به تحصیل پرداخته و برای ادامه تحصیل مهاجرت و غربت را تجربه کرد و به تدریج با ادبیات روسی و سپس انگلیسی آشنا شد و با مقایسه‌ای که میان ادبیات عربی آن روزگار و ادبیات آن کشورها انجام داد، به راز ضعف و سستی ادب عربی پی برد و برای خدمت به ادبیات عربی راه تجدید و نوآوری پیمود و نیز همه را به پیمودن این راه فراخواند و بعد از تأسیس انجمن «الرابطة القلمیة» اساسنامه آن را تنظیم کرد و سپس کتاب نقدی - ادبی «الغربال» را تألیف کرده و بدین ترتیب راه را برای رسیدن انجمن به اهداف خویش هموار نمود. نعیمه به حق یکی از ارکان مهم «الرابطة القلمیة» و به طور کلی ادبیات مهجر به شمار می‌آید وی بعد از جبران یکی از چهره‌های مشهور ادب مهجر محسوب می‌شود که در عرصه ادب جهانی هم برای خود نام و نشانی دارد به طوریکه می‌بینیم خاورشناس هلندی «نایلاند» نیز ادبیات او را تحت عنوان رساله دکترای خویش مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. در آثار و تألیفات پژوهشگران عرب پیرامون ادب مهجر نیز میخائیل نعیمه همواره مورد توجه بوده است. اما خواننده و مخاطب فارسی زبان آنگونه که با جبران و اندیشه‌هایش آشناست با میخائیل نعیمه و ادب و اندیشه‌های او آشنایی ندارد و حتی می‌توان گفت نعیمه برای مخاطب فارسی زبان ناشناخته مانده است. از این رو نگارنده این نیاز را احساس کرد و به خاطر آشنا ساختن آنان با شخصیت فردی و هنری نعیمه، سیمای ادبی او را موضوع تحقیق خود قرار داد.

از این رو برای دست یافتن به هدف مطلوب ابتدا به زندگی شخصی این ادیب نگاهی افکنده و به تجربه‌های او پیش از ترک وطن و همچنین در دیار غربت (ناصره، روسیه، آمریکا) و

سرانجام در بازگشت به وطن خواهیم پرداخت و سپس مراحل شکل‌گیری اخلاق صوفیانه وی را در سه مرحله به صورت کوتاه و مفید مورد مطالعه قرار خواهیم داد چرا که ادب میخائیل نعیمه بازتاب اندیشه‌های صوفیانه اوست و آشنایی با مراحل تکوین اخلاق صوفیانه وی فهم ادب او را برای خواننده سهل و آسان می‌کند و در فصل دوم به پیدایش ادب مهجر و ویژگی‌های آن اشاره خواهیم کرد.

در فصل سوم این رساله آراء انتقادی نعیمه که براساس کتاب «الغربال» پیرامون مسائل مهم ادبی از جمله، ادبیات، ادیب، معیارهای ادبی، شعر و... مطرح شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا در فصلهای بعدی میزان پایبندی وی به آرائی که خود بیان کرده است مشخص شده و به فرضیه تحقیق پاسخ داده شود. چرا که وی ابتدا به نقد ادبیات و شعر و... پرداخته و سپس شعر سروده است و این امر از میزان شجاعت و اعتماد به نفس وی حکایت می‌کند. حال باید در فصلهای بعدی دید آیا او خود واقعاً به آنچه گفته وفادار بوده است یا نه؟

در فصل چهارم سیمای شعری نعیمه بررسی می‌شود و ویژگی‌های فنی شعر وی و موسیقی شعر و صورتهای شعری او مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و بالاخره در فصل پنجم نثر جدید عربی و ویژگی‌های نثر الرابطة القلمیة و سرانجام نثر نعیمه بررسی می‌شود و سپس آثار نثری او در زمینه‌های مختلف ادبی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در ضمن بحث پیرامون سیمای شعری و نثری نعیمه به افکار و اندیشه‌ها و رویکرد او نسبت به زندگی، انسان و نظام هستی اشاره می‌شود. در تمام این فصلها سعی شده است از طرفی رعایت اختصار شده و از طرف دیگر مفاهیم جامع باشد، زیرا نگارنده به این حقیقت ایمان دارد که کار محقق باید همچون زنبور عسل و نتیجه کار خود عسل باشد و کندو و موم نمی‌خواهد بیاورد. بنابراین نیازی به توضیح و تفصیل بیش از اندازه نیست. اما اساسی‌ترین مشکل در انجام این تحقیق، در دسترس نبودن منابع کافی بود، همانگونه که پژوهشگران در

بسیاری از موضوعات معاصر با این مشکل روبرو هستند. علاوه بر این بعضی از کتابهای موجود و سایت‌های اینترنتی به دلیل تکراری بودن مطالب، و یا به خاطر قابل اعتماد نبودن در این تحقیق مفید واقع نشدند. بنابراین نگارنده با تکیه بر آثار خود شاعر و تجزیه و تحلیل آن از طریق آشنایی با مفاهیم ادبی در کتابها و مقالات پراکنده و تعداد محدودی از منابع در دسترس، این پژوهش را به انجام رسانده است. البته شخصیت و ادب میخائیل نعیمه جنبه‌های متنوع و متفاوتی دارد چرا که وی در عرصه نقد، شعر، نثر و فکر و اندیشه و فلسفه آثار گرانقدری از خود برجای گذاشته که او را از دیگر ادبای مهجر و حتی ادبای عرب متمایز می‌کند. بنابراین دیگر پژوهشگران می‌توانند این ادیب بزرگ معاصر را موضوع مطالعات و فعالیت‌های پژوهشی خود قرار دهند. به امید اینکه پژوهش حاضر، در شناساندن این ادیب بزرگ و جایگاه او در تاریخ ادبیات معاصر عربی، سودمند واقع شود.

# فصل اول:

جلوه‌های از مراحل زندگی میخائیل نعیمه

## درآمد

بدون شک فکر، اندیشه و فلسفه نعیمه در زندگی از جمله گام‌های ارزشمندی است که چرخ روزگار و تاریخ بشر در مسیر چرخش خویش پیموده است. آنچه مسلم است اینکه نعیمه همه چیز را نگفت اما آنچه گفت گامی مثبت در تکمیل برنامه‌ایست که فکر و اندیشه بشری دنبال می‌کند. هرچند که افکار و اندیشه‌های وی راه‌های پرفراز و نشیب فراوانی پیموده و خود فرمول پیچیده‌ای دارد و عوامل و نیز مراحل تکوین آن نیز متعدد است؛ می‌توان اعتراف کرد که تمام این عوامل را نمی‌توان از طریق نوشته‌هایش دریافت و شاید او خود نیز به دشواری این امر واقف باشد. چرا که عوامل حاکم بر روابط و افعال انسانی و تصورات و اندیشه‌های وی پیچیده و گاه در هم تنیده است به طوری که امکان مطلق‌گویی را از خواننده خردمند سلب می‌کند.

ذکر این نکته هم لازم است که هرچند که نمی‌توان به طور مطلق و حتم این عوامل را بازشناخت ولی اشاره به مهمترین و برجسته‌ترین اندیشه‌ها و فلسفه‌هایی که ایمان داشته و بیان وقایع مهم زندگی و مراحل سیر و سلوک صوفیانه وی و همچنین ادبیاتی که در جهت‌گیرهای گوناگون فکری، روحی و ادبی وی تأثیرگذار بوده دور از دسترس نیست، تا شاید بتواند نقطه آغاز و توشه‌ای باشد برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر این اندیشمند ادبی، توسط کسانی که این توانایی را دارند که با وی و افکار و تصورات وی همراه و همدم شده و به عبارت دقیق‌تر بتوانند مست اندیشه‌ها و ادبیات وی گردند.

برای نیل به این مقصود، در این فصل برآنیم که ابتدا به زندگی و مراحل رشد و پرورش فکری، روحی و ادبی نعیمه بپردازیم و سپس مراحل رشد و نمو اخلاق صوفیانه‌ی او را که منتهی به شکل‌گیری ادبیات صوفیانه ویژه وی می‌شود به سه مرحله تقسیم کرده و هرکدام از مراحل را جداگانه اما مختصر و مفید بررسی کنیم. البته هدف از تفکیک زندگی صوفیانه وی و مراحل سیر و سلوک او کمک به رضایت خاطر و فهم بهتر خواننده است در غیر این صورت این جنبه از

زندگی او از مراحل حیات ادبی و فکری او جدایی‌ناپذیر است و چنانکه در فصلهای بعدی خواهد آمد ادب نعیمه ادبی است که احساسات و اندیشه‌های صوفیانه بر آن غلبه دارد.

### ۱-۱- نعیمه پیش از ترک وطن (۱۸۸۹-۱۹۰۲)

میخائیل نعیمه در هفدهم اکتوبر سال ۱۸۸۹ م. در روستایی کوهستانی به نام «بسکتتا»<sup>۱</sup> واقع در دامنه کوه بلند صِئین<sup>۲</sup> در سرزمین لبنان، از پدر و مادری مسیحی (ارتدوکس) که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پا به عرصه وجود نهاد که ادبیات عربی را در قرن بیستم، رنگ و جلای دیگری بخشید. پدرش یوسف و مادرش لطیفه نام داشت و فرزندان خانواده به ترتیب سن عبارت بودند از: ادیب، هیکل، نعیمه، نجیب، تنها خواهرش غالیه و برادر کوچکش نسیب. خانواده نعیمه امور زندگی خود را با درآمد زمین و محصولات کشاورزی سپری می‌کردند. ده ماهه بود که پدرش برای کسب و کار همچون برخی از مردم لبنان به آمریکا مهاجرت کرد و نعیمه کوچک به مدت شش سال از لذت دیدار پدر محروم بود. (نعیمه، ۱۹۵۹-۱۹۶۰: ۱۷/۱-۱۸)

یکی از خاطرات کودکی نعیمه این بود که مادرش در آخر نماز این دعا را می‌خواند و از او نیز می‌خواست آن را تکرار کند مادرش می‌گفت: «... پسرم با من بگو خدایا پدرم را در آمریکا موفق گردان، خاک را در دستش طلا بگردان، و او را سالم به ما برگردان...» (سراج، ۱۹۷۳: ۶۸) او با مادر و برادرانش به همراه پدربزرگ «ابویوسف» و مادر بزرگ «ام یوسف» زندگی می‌کرد. خانه آنان خانه‌ای روستایی با سنگ و گل و خشت و سقفی از چوبهای درختان محلی (صنوبر، بلوط و...) بود. خانه‌ای که با کوزه آب و تنوری برای پخت غذا و گرم کردن خانه، و چراغهای روشنایی پیه‌سوز، تزیین می‌گشت. هرچند بسیار محقر و فقیرانه بود اما وجود پدربزرگ و مادربزرگ مهربان، خانه را صفایی دیگر می‌بخشید.

۱- بسکتتا زادگاه میخائیل نعیمه، در کوهپایه غربی کوه صِئین، در ارتفاع ۱۳۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. (حنین، ۱۹۸۶: ۳۹)

۲- صِئین یکی از کوههای لبنان است که از سمت غرب مشرف بر بسکتتا و از سمت شرق مشرف به شهر زحله است. صِئین اسمی عربی است به معنای بلند و با عظمت. (حنین، همان: ۱۳۵)



پدربزرگ، نامش میخائیل بود و به رسم عرب نام پدربزرگ را بر نوۀ خویش نهادند تا اسم گذشتگان حفظ شود. اجداد آنان از عکار در حوران به لبنان آمده بودند، یعنی از یمن بعد از سیل معروف عرم. از این رو آنان عرب اصیل بودند. میخائیل هنوز شش سالش نشده بود که پدربزرگش فوت کرد.

مادر میخائیل بی‌سواد بود ولی بزرگترین آرزویش این بود که در خانه‌اش کتاب و دفتر و قلم ببیند. او هرچند که خود بهره‌ای از خواندن و نوشتن نداشت، اما دوست داشت فرزندانش اهل کتاب و قلم باشند و مردم برای نوشتن نامه‌هایشان به مهاجران، نزد فرزندان او بیایند (نعیمه، ۱۹۵۹-۱۹۶۰=۳۴/۱) و نعیمه کوچک این آرزوی مادر را دریافته بود به همین خاطر بسیار مشتاق بود مایه سرافرازی و مباحات مادر شود و آرزویش را برآورده سازد.

روستا جز مدرسه‌ای مذهبی (مکتب‌خانه) که با یک معلم اداره می‌شد، مدرسه دیگری نداشت. معلمی پیر که با چوبی در دست، کودکان را در صورت غلط خواندن کتک می‌زد. اما نعیمه در هیچ کلاسی از سوی هیچ معلمی تنبیه نشد. او هفت ساله بود که کتاب «طوبی» را تمام کرد، کتابی که شامل برگزیده‌هایی از دعا‌های حضرت داود (ع) بود که اولین دعایش با این عبارت شروع می‌شد: «طوبی للرجل الذي لم يسلك في مشورة الكفرة» (خوشابه سعادت مردی (کسی) که با ناسپاسان (نعمت پروردگار) مشورت نکند)<sup>۱</sup> (سراج، ۱۹۷۳ م: ۶۹). بنابراین نعیمه موفق به دریافت مدرک «طوباویه» شد. او هنوز هفت سالش نشده بود که پدر از سفر بازگشت در حالیکه بهره‌وی از دلارهای آمریکا بسیار ناچیز و اندک بود و غیر از چند صندل برای خانه و یک گاو برای شخم زدن مزرعه، چیز دیگری نتوانست بخرد (نعیمه، همان، ۶۲/۱). بدین ترتیب پدر کارنیاکانش یعنی کشت زمین را ادامه داد. نعیمه در مورد خصوصیات اخلاقی پدرش می‌گوید: «پدرم تحمل دروغ‌گویی را نداشت. به همان اندازه که از دروغ بدش می‌آمد از

۱- الكفرة جمع كافر معمولاً به معنای کفران نعمت و الكفار جمع كافر بیشتر به معنای ضد ایمان به کار می‌رود (معلوف، ۱۹۸۶=۶۹۱ ماده کفر)

ریا و چاپلوسی و وعده دروغین متنفر بود. دین در نظرش داشتن اخلاق پسندیده و خوش رفتاری با مردم بود. انجام کارهای نیک و اعمال صالح را عبادت می‌دانست و از انجام عمل خیر خودداری نمی‌کرد، پدرم کلیسا و مردان متقی و با ایمان را دوست می‌داشت.» (همان: ۶۴-۶۵)

امپراتوری روسیه انجمنی را تأسیس کرد که «الجمعیة الإمبراطوریة الروسية الفلستینیة» نامیده می‌شد و هدفش گسترش مذهب ارتدوکس در سرزمین‌های مقدس، از طریق تعلیم و تربیت بود. این انجمن مدراس رایگانی را در فلسطین ایجاد کرد و سپس ساخت این مدارس را در سوریه و لبنان گسترش داد، حتی در بسکتنا یک مدرسه ابتدایی روسی تأسیس کرد. مدرسه‌ای که بسیار منظم بود و همه هزینه آن از جمله کتاب، دفتر، قلم، صابون، حوله و شانه دانش‌آموزان را قریه‌الی... تأمین می‌کرد، این مدرسه در تحصیل و در تمام مراحل بعدی زندگی نعیمه تأثیر عمیقی برجای گذاشت (نعیمه، ۱۹۵۰ م: ۱۴۰).

برای اولین بار احساس می‌شد که مدرسه برنامه و نظام درسی معینی دارد. متون درسی دانش‌آموزان مشتمل بر تدریس صرف و نحو، حساب، جغرافیا و... بود، اما توجه زیادی به زبان عربی و حساب می‌شد، این دو درس در درجه اول تعلیمات مدرسه قرار داشتند؛ جغرافیا، تاریخ و علوم در درجه دوم و مقدمات زبان روسی در درجه سوم اهمیت قرار می‌گرفتند (نعیمه، ۱۹۵۹-۱۹۶۰: ۷۷/۱). از میان دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل این مدرسه کسانی که زبان روسی را به خوبی بدانند بسیار اندک بودند.

میل فطری میخائیل به درس و استعداد و حافظه قوی‌اش سبب برتری وی بر همکلاسی‌هایش می‌شد وی می‌گوید: «من نمی‌توانستم کسی را در کلاس ببینم که از من در چشم معلم عزیزتر باشد و همچنین نمی‌توانستم کمترین سرزنش و کلمه توهین‌آمیز یا تنبیه را تحمل کنم.» (همان: ۸۴).

همچنین او از کودکی با زبان فرانسه آشنا شد با این وجود می‌گوید: «از تمام درس‌هایم زبان عربی برای من دوست داشتنی‌تر بود» (همان: ۸۵).

او با اینکه کودکی بیش نبود کتاب مجمع البحرین شیخ ناصیف یازجی را مطالعه کرد هرچند که برای وی کمی دشوار بود. این کتاب شامل ۶۰ مقامه به تقلید از مقامه‌های حریری است و اطلاعات لغوی و امثال و حکم عربی و نکات بیانی و بدیعی فراوانی دارد (الفاخوری، ۱۳۸۰: ۵۳). در این مدرسه پنج سال به تحصیل ادامه داد تا اینکه به عنوان دانش‌آموز ممتاز مدرسه برای ادامه تحصیل در «دارالمعلمین الروسیه»، مرکز تربیت معلم روسی، در ناصره برگزیده شد در حالیکه هنوز دوازده سال بیشتر نداشت. چه بسا در آینده مدیر مدرسه‌ای می‌گشت که چندین معلم تحت فرمانش بودند. در این دوران بود که فهمید میخائیل اسم عبری مرکبی است از (می - کا - ئیل) به معنی کسی که شبیه خداوند است. (جاده حسن، ۱۹۸۵: ۴۶۶)

نعیمه سال ۱۹۰۲ به قصد رفتن به ناصره با خانواده‌اش خداحافظی می‌کند و همراه دائی‌اش به بیروت می‌رود، او با ره توشه‌ای برابر یک دلار مسافرت را آغاز می‌کند در حالیکه خانواده‌اش به این پول محتاج‌تر از او بودند. در بیروت سوار کشتی بخار می‌شود و بعد از چهل ساعت به بندر حیفاء در فلسطین می‌رسد. مسیری که امروزه با ماشین سه ساعته طی می‌شود. سپس از بندر حیفاء به ناصره می‌رود و در اینجا است که برای اولین بار مفهوم غربت و غریبی را حس می‌کند. (همان: ۱۱۳) این مرحله از زندگی نعیمه را می‌توان دوران حرکت، اشتیاق و امید نامید.

## ۲-۱- فلسطین (ناصره ۱۹۰۲-۱۹۰۶)

نعیمه وارد شهر ناصره می‌شود، جایی که حضرت مریم عذراء زندگی می‌کرد، شهری که عیسی مسیح (ع) در آنجا پرورش یافته بود و از این جهت این شهر برای نعیمه جذاب می‌نمود. شعور دینی نعیمه در این شهر بالیدن گرفت و عمیق گردید، و عظمت این سرزمین مقدس و حضرت مسیح بیش از هر چیز دیگری توجه وی را به خود جلب کرد. او در طی اردوهایی که از سوی مدرسه دارالمعلمین انجام می‌گرفت بسیاری از مکانهای مقدس این سرزمین را از رود اردن گرفته تا دریاچه طبریه و کوه مقدس طور، از نزدیک دیده بود.

دارالمعلمین ناصره مدرسه‌ای رایگان بود که حتی لباسهای دانش‌آموزان را تهیه می‌کرد، مدرسه‌ای که دانش‌آموزانش از فلسطین، سوریه و لبنان بودند. هدف این مدرسه پرورش مدیرانی برای مدراس ابتدائی روسیه بود و این آرزوی گرانبهائی بود که نعیمه در راه رسیدن به آن تلاش پیگیر می‌نمود تا بتواند پدر و مادرش را سرافراز کرده و اهالی روستا به وجود او بر خود ببالند. بنابراین لحظه لحظه وقت خویش را غنیمت شمرده و علاوه بر کتابهای درسی، کتابهای غیر درسی نیز می‌خواند. معلمان مدرسه برخی روس و بعضی عرب و دانش‌آموزان همه عرب بودند. اولین معلم که برای تدریس آمد روسی بود و به زبان روسی صحبت می‌کرد، میخائیل حدود صد کلمه روسی بیشتر نمی‌دانست. از این رو حرفهای معلم را نمی‌فهمید در حالیکه بعضی دانش‌آموزان به راحتی با معلم، روسی صحبت می‌کردند. اما درس زبان عربی، متن کلیله و دمنه بود، میخائیل در میان تمامی دانش‌آموزان، تنها کسی بود که توانست به راحتی و بدون اشکال آن را بخواند. همکلاسی‌هایش در هر درسی از او کمک می‌گرفتند چرا که وی دانش‌آموز ممتاز کلاس بود. وی در مورد کیفیت اداره آن مدرسه می‌گوید: «زندگی ما در این مدرسه مانند زندگی راهب‌ها در دیر و صومعه بود» (نعیمه، ۱۹۵۹-۱۹۶۰: ۱/۱۲۱). در این مدرسه است که میخائیل با «نسیب عریضه» آشنا می‌شود کسی که بعدها در انجمن قلم در نیویورک همکار او می‌گردد. وی در طول اقامت خویش در ناصره الفیه ابن مالک در علم نحو و کتاب خلیل بن احمد در عروض و کلیله و دمنه و مقدمه ابن خلدون را می‌خواند علاوه بر آن مجله‌هایی را که به مدرسه ارسال می‌شود نیز مطالعه می‌کند از جمله مجله «الهلال»، «المقتطف» از مصر و مجله «الضیاء» شیخ ابراهیم یازجی از لبنان و در طی این سالها بود که زبان روسی وی تقویت می‌شود و داستان‌های تولستوی، چخوف و داستایوسکی را می‌خواند هرچند که بنا به قول خودش، نیمی از خواننده‌هایش را نمی‌فهمد.

نعیمه همچنین برخی از قصاید شعر عربی قدیم را حفظ می‌کند و بیش از همه از متنبی و شعر وی

خوشش می‌آید به ویژه بیت مشهور وی:

«الخیل و اللیل و البیداء تعرفنی و السیف و الرمح و القرطاس و القلم»

(سبیتی، ۱۹۸۶: ۸۳)